



دولت‌آبادی با عشق به چوب و نجاری به مسیر راه‌اندازی کارگاه میرسد. زیرزمین منزل پدری نیمه‌ساز بود و دولت‌آبادی، دختری که این روزها دست‌هایش با چوب و اره آشنا شده بود؛ با عشق و علاقه فراوان زیرزمین نیمه‌کاره را تکمیل و اولین کارگاه نجاری با مدیریت یک خانم را در سیرجان راه‌اندازی می‌کند. عشق به نجاری آن‌قدر شدید است که دولت‌آبادی برای تهیه دستگاه‌های نجاری، دست به دامن وام می‌شود و برای طی این مسیر؛ خواهر و دوست خواهرش با او هم‌قدم می‌شوند. «خواهرم و دوست خواهرم به کمک من آمدند. خواهرم تحصیلات گرافیک و باستان‌شناسی دارد و دوستش هم تحصیل‌کرده هنرهای اسلامی است. تحصیلات هر دو نفر می‌توانست به من در خلق آثار هنری کمک کند. چرا که من صرفاً به‌دنبال تولید کارهای چوبی نبودم. می‌خواستم چوب را با هنرهای دیگر تلفیق کنم. اسم کارگاه را هم «گالری هنری» گذاشتم تا بتوانم هنرهای مختلفی در آن تولید کنم؛ هنرهای متفاوت که با چوب تلفیق شده و معنای جدیدی تولید می‌کنند. شاید تولیدات چوبی که ساخت دست یک خانم باشد در ابتدا بازار کار خوبی نداشته باشد، اما دولت‌آبادی مصمم‌تر از این حرف‌هاست. تولیداتش را با کیفیت چوبی شروع می‌کند و برای محصولاتش که تولید می‌کند به‌دنبال بازار هدف بزرگی است. «ابتدا کار با کیفیت چوبی را شروع کردیم. بازار هدف ما تهران بود و اجناس تولیدی را آن‌جا می‌فروختیم. بعداً در کنار آن سایر لوازم چوبی را هم تولید می‌کردیم و کم‌کم بازار هدف را توسعه دادیم. به سراغ تولید کارهای تبلیغی، لوگو و... رفتیم. سه نفر دیگر هم به مجموعه ما اضافه شدند که همه تحصیل‌کرده رشته‌های هنری بودند. اما از آن جایی که کار با چوب بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود، از جمع ما فاصله گرفتند و ما سه تنگنادر ماندیم و کارگاه نجاری. کار با چوب از دور زیباست اما سختی‌های بسیاری دارد و فقط کسی در آن باقی می‌ماند که یک عاشق واقعی باشد.»

بین کار زنانه نیست!

دولت‌آبادی در مسیر راه‌اندازی کارگاه نجاری، پستی‌ها و بلندی‌های بسیاری را تجربه کرده و خاطرات بسیار زیادی با خود به همراه دارد. از خاطره‌های برایمان می‌گوید که کمی قلبش را مچاله کرده «در یک بازه زمانی در گهر پارک مشغول بودیم. در کنار ما چند کارگاه نجاری دیگر هم کار می‌کردند. باید تعدادی ستون برای آنجا درست می‌کردیم. بخشی از آن‌ها باید به صورت هلال در می‌آمد. درآوردن این هلال‌ها کار بسیار سختی بود. خواهرم داشت روی آن‌ها کار می‌کرد. بعد از طراحی ۱۰۰ تا از ستون‌ها، چوب از دستش پرت شد و اره؛ انگشت دستش را برید. یکی از آقایان کارگاه دیگر گفت - شما نباید این کار را می‌کردید. این کار زنانه نیست! من که گفتم از عهده‌اش بر نمی‌آید! بگذارید من کمکتان کنم - آمد به ما کمک کند. هنوز هلال سه تا از ستون‌ها را نزنده بود که چوب از دستش در رفت و اره دو تا از انگشت‌هایش را برد. گفتم حالا کی گفته این کار صرفاً مردانه است؟ شما که دوتا از انگشت‌هایتان را زدید! این کار خانم و آقا ندارد. هر کس که توانایی و علاقه داشته باشد می‌تواند آن را انجام دهد.»

عاشق سفارش‌های چالشی هستیم

دولت‌آبادی از انتخاب مسیر نجاری بسیار راضی

است و می‌گوید «اگر باز هم حق انتخاب داشته باشم به سراغ نجاری می‌روم.» او به هیچ سفارشی نه نمی‌گوید چرا که هر سفارش را یک چالش می‌داند برای آموزش بیشتر و یادگیری ریزه کاری‌های بهتر. «بعد از ۴ سال کار نجاری؛ هر بار یک تجربه جدید کسب می‌کنم. به هیچ سفارشی نه نمی‌گویم، حتی اگر آن را بلد نباشم. تمرین می‌کنم و یاد می‌گیرم. عاشق سفارش‌های چالش برانگیز هستم، چرا که من را وادار می‌کنند تا بروم نادانسته‌های چوب را یاد بگیرم و آن را در سفارش مشتری پیاده کنم. وقتی این سفارش‌های چالش برانگیز را انجام می‌دهم از ممارستی که در یادگیری داشتیم لذت می‌برم. معتقد هستم کسی می‌تواند در یک حرفه، موفق باقی بماند که از یادگیری دوری نکند؛ به دنبال کشف ناگفته‌ها باشد؛ علاقمند به چالش باشد؛ تمرین کند؛ خسته نشود و برای چیزی که به آن علاقه دارد بجنگد.»

آموزش من رایگان است

دولت‌آبادی بسیار علاقمند است که خانم‌های دیگری نیز به حرفه نجاری روی بیاورند چرا که این کار را یک کار هنری ارزشمند می‌داند که همه خانم‌ها می‌توانند از عهده آن برآیند. «همیشه همه خانم‌ها را تشویق می‌کنم که بیایند نجاری یاد بگیرند. آموزش من رایگان است و با افتخار به همه خانم‌هایی که به نجاری علاقه داشته باشند آن را آموزش می‌دهم. خیلی دوست دارم خانم‌ها بیایند و این کار جذاب و ارزشمند را یاد بگیرند. کار با چوب خیلی لذت بخش است.» دولت‌آبادی کارآفرینی کرده و با راه‌اندازی کارگاه نجاری برای خود و دو نفر دیگر اشتغال ایجاد کرده. «کارگاه ما خوشبختانه رونق دارد. درآمد خوبی هم داریم. دوست دارم خانم‌ها را جذب این کار کنم و به آن‌ها آموزش رایگان بدهم. کارگاه ما ظرفیت افزایش نیرو تا ۱۰ نفر را هم دارد. خانم‌هایی که به این حرفه علاقه داشته باشند بیایند آموزش ببینند و توانمندی خود را در این حوزه نشان دهند می‌توانند در کنار ما سازه‌های چوبی خلق کنند و از کار با چوب و زیبایی‌های آن لذت ببرند.»

شاید از دور این‌طور به نظر برسد که بسیاری از خانم‌ها توانایی ورود به بسیاری از مشاغل را ندارند. در حالی که خانم‌ها همواره ثابت کرده‌اند که اگر پای علاقه در میان باشد می‌توانند از عهده همه کارها حتی مشاغلی که به شدت سخت و طاقت‌فرسا هستند هم بر بیایند. درست مثل وجیهه دولت‌آبادی که تنها بانوی نجار در سیرجان است که نشان داد می‌توان از مسیر معماری به نجاری رسید و می‌توان برای علاقه‌ای که آن را باور دارید، جنگید؛ خستگی را تحمل کرد؛ سختی را پذیرفت و به نتیجه مطلوب رسید. می‌توان در کنار سختی‌های کار با چوب دوام آورد و سازه‌های چوبی خلق کرد که با هر بار دیدن آن‌ها لبخند رضایت بر لبانتان بنشیند...